

السيرة عروة بن الزبير العوام است که در سال ۹۲ هجری درگذشت. پس از وی از کتب سیره ابان بن عثمان (متوفی ۱۰۵)، وهب بن منبه (متوفی ۱۱۰)، شرحبیل بن سعد (متوفی ۱۲۳)، ابن شهاب زهري (متوفی ۱۲۴) نام می‌برند. هیچکدام از این کتابها - جز بخشی از سیره وهب بن منبه - امروزه در دست نیست، ولی طبری در تاریخش برخی از آنها را عیناً آورده است.

نخستین سیره نویس بزرگ اسلامی، محمد بن اسحاق است که در ۱۵۹ هجری در گذشته است. وی به گردآوری اخبار مربوط به زندگی پیغمبر علاقه تمام داشت و کتاب المغازی او مفصلترین کتاب سیره بوده است که متأسفانه اصل آن امروزه در دست نیست، ولی تهذیب و تلخیص آن به نام سیره رسول الله در دست است. این «سیره» را عبدالملك بن هشام (متوفی ۲۱۸) فراهم کرد که مهمترین و یگانه مأخذ اصلی زندگی پیامبر اسلام است و تمام کتابهای بعدی مبتنی بر آن است. از مأخذ مهم دیگر باید از مغازی واقدی (متوفی ۲۰۷) و طبقات ابن سعد کاتب واقدی (متوفی ۲۳۰) نام برد.

منبع چهارم، کتب تاریخ است، تواریخ عمومی که در آنها بخش مفصلی به زندگی پیغمبر اختصاص یافته و مهمترین آنها تاریخ طبری است، به نام تاریخ الرسل و الملوك. تاریخ یعقوبی و تاریخ مسعودی (مروج الذهب) نیز از منابع مهم شناخت سیره رسول الله است.

از قرن چهارم تا امروز که آغاز پانزدهمین قرن هجرت نبوی است، هزاران کتاب و رساله درباره پیامبر اسلام و شخصیت وی نوشته شده است، بعلاوه هیچ کتابی نیست که از اسلام و تاریخ اسلام سخن گوید و بخشی از آن اختصاص به پیغمبر نداشته باشد. از این رو جمع و تدوین يك کتابشناسی کامل راجع به پیامبر اسلام امری بسیار دشوار و به يك معنی ممتنع است. راجع به حضرت محمد (ص)، علاوه بر عربی و فارسی به صدها زبان کتاب نوشته شده است، زبانهایی که حتی نام آنها را شنیده ایم، یا کمتر شنیده ایم. جمع آوری این کتابها نیز دشوار است و کاریکی دو نفر نیست. در این میان کتابهایی که به زبانهای مهم اروپایی (انگلیسی و فرانسه و آلمانی) نوشته شده است جای مهمی دارد. در اینجا مناسب است سیر کوتاهی از سیره نویسی در غرب را به دست دهیم.

آشنایی غربیان با دین اسلام و پیامبر آن در قرون وسطی بسیار اندک و سخت مفرضانه بود. تا آغاز جنگهای صلیبی (قرن ۱۲ میلادی، ۶ هجری) مسیحیان اروپا تقریباً هیچ اطلاعی از



کتابنامه حضرت محمد (ص). تهیه و تدوین مهري (خاور) دالاتی. تهران. انتشارات قلم با همکاری مرکز خدمات کتابداری. ۱۳۶۰. ۱۹۹ ص.

پیامبر اسلام (ص) تنها پیامبری است که گزارش زندگی او - نه در ظلمت اساطیر و هاله ای از روایات افسانه ای، بلکه در روشنی تاریخ به دست ما رسیده است. از سیره رسول اکرم (ص) امروزه اطلاعات دقیق و درستی داریم. قدیمترین مأخذ درباره زندگی پیغمبر خود قرآن است که به سوانح حیات و احوال رسول خدا اشارات بسیار دارد. و در واقع مأخذ و معیاری است که باید مأخذ دیگر را به آن سنجید و درستی و نادرستی آنها را بر پایه آیاتی که در شأن پیامبر نازل شده اند، باز شناخت. منبع دوم احادیث است که از پیامبر اکرم و ائمه اطهار نقل شده است. در کتب و مجامع حدیث عامه و خاصه (سنی و شیعه) فصلی ویژه به زندگی پیغمبر اختصاص دارد که عموماً تحت عنوان «شمائل النبی» و «المولد النبی و وفاته» می‌آید. سومین منبع، کتب سیر و مغازی است که در آن از سیره پیغمبر و جنگها و نبردهای زمان وی سخن رفته است و در واقع سرگذشتنامه پیغمبر را به معنی مصطلح امروزی آن (Biography) نخستین بار در این گونه کتب می‌بینیم.

قدیمترین کتاب سیره که ذکر آن در تاریخ آمده است کتاب

اسلام نداشتند، با آنکه اسلام در اسپانیا (اندلس) و جنوب ایتالیا تمدنی درخشان پی افکنده بود. بهر حال تا سال ۱۱۱۰ میلادی فقط يك بار نام محمد (ص) در ادبیات اقوام اروپایی (بجز اسپانیایی و ایتالیایی) آمده است. از قرن دوازدهم میلادی به بعد کم کم آثاری درباره اسلام و پیامبر اسلام به نگارش در آمد.

فتح قسطنطنیه (استانبول) در ۱۴۵۳ میلادی بدست ترکان عثمانی و پیشرفت آنها در خاک اروپا، اروپائیان را جداً متوجه اسلام کرد. در این زمان نویسندگان اروپائی و بیشتر کشیشان مسیحی هر چه راجع به اسلام و پیامبر آن می نوشتند صرفاً ردیه - نویسیهای مغرضانه بود و این امر تا سه قرن ادامه یافت. در قرن هجدهم که آن را عصر «روشنگری» نامیده اند، کم کم دامنه تعصبات کمتر شد و در این عصر بود که ولتر فیلسوف روشنگر فرانسوی کتابی راجع به زندگی محمد (ص) نوشت و نخستین بار تا حدی چهره راستین پیامبر اسلام را ترسیم کرد. البته غرض ولتر بیشتر کوبیدن مسیحیت و کلیسا بود و زندگی پیامبر اسلام صرفاً بهانه‌ای بود برای این منظور. در ۱۸۲۹ نیز در انگلستان نویسنده‌ای به نام گادفری هیگینز (Higgins) کتابی نسبتاً بی مغرضانه راجع به پیامبر اسلام نوشت. این کتاب در واقع ردی بود که او بر کتاب يك کشش انگلیسی که در رد اسلام نوشته بود نگاشت. اولین تغییر عقیده بارز راجع به پیامبر اسلام در غرب حاصل کتاب قهرمانان و قهرمان پرستی تامس کارلایل (۱۷۹۵ - ۱۸۸۱) است که بخش عمده آن راجع به حضرت محمد (ص) است و در آن کارلایل پیامبر اسلام را ستود و او را نمونه والای پیامبری دانست. از آن پس در اروپا کتابهای بسیار از هر دست، محققانه و مغرضانه، راجع به پیامبر اسلام نوشته شد. برخی از این کتابها، بویژه کتابهای فرانتس بوهل، توراندره و موننگمری وات حاصل پژوهش بسیار در منابع و روش علمی است.

کتابشناسی حاضر گزیده‌ای است از کتابهای مهمی که به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی راجع به رسول اکرم نوشته شده است. در این کتابشناسی صرفاً کتابهای مفرد آمده است. البته منابع راجع به حضرت محمد (ص)، بجز کتب سیره، بسیار است. کتب حدیث و تفسیر و کتابهای تاریخی راجع به صدر اسلام هر يك بخشی و اغلب بخش مفصلی راجع به حیات پیامبر اکرم دارند. تدوین فی المثل کتابشناسی حدیث خود کار عظیم جداگانه‌ای است و از دامنه و حدود این کتابشناسی فراتر می‌رود. پژوهش در سیر چهره پیامبر در تاریخ نیز خود موضوع رساله جداگانه‌ای است. در میان این انبوه عظیم منابع صرفاً به کتابهای



مفرد و خاص راجع به زندگی پیامبر (به اصطلاح مونوگرافی) بسنده شده است.

این کتابشناسی در پنج بخش بر حسب زبان (به ترتیب: فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی) تقسیم شده است و جمعا ۸۷۹ کتاب در آن آمده است که ۱۸۶ عنوان آن فارسی، ۴۹۵ عربی، ۱۴۰ انگلیسی، ۲۹ فرانسه و ۲۹ آلمانی است. عنوان کتابها در هر بخش زیر نام نویسنده آمده و به ترتیب الفبائی نام نویسندگان مرتب شده است. البته در آخر کتاب فهرست الفبائی عناوین کتب نیز آمده است که دستیابی به کتاب مورد نظر را تسهیل می‌کند.

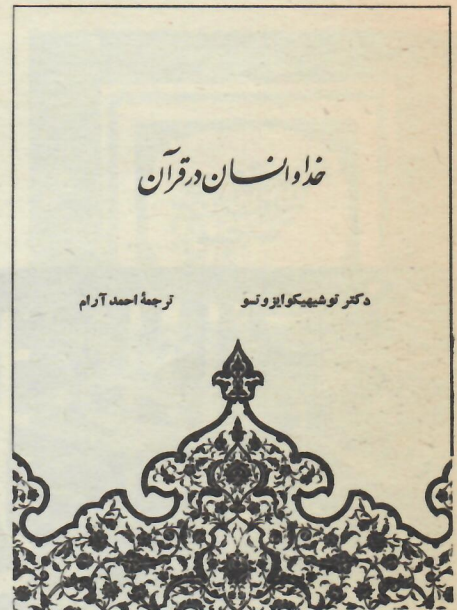
کتابشناسی حضرت محمد (ص) که در تهیه و تدوین آن کوشش و دقت بسیار به کار رفته است، ظاهراً نخستین کتابشناسی‌ای است که درباره سیره پیامبر منتشر می‌شود و با آنکه کتابهای مربوط بسی بیش از آن است که در این کتابنامه آمده، ولی در این اثر اهم کتابها ذکر شده است. و این نخستین کوشش مشکور و مأجور است و هیچ کتابخانه و پژوهنده‌ای که درباره اسلام و پیامبر گرامی آن کار می‌کند، از آن بی نیاز نیست.

کرده است، نویسنده در صدد برمی آید تا با استفاده از معنی شناسی (علم الدلاله = Semantics) مفاهیم اصلی قرآن را به منظور شناخت جهان بینی قومی مسلمانان مورد بررسی قرار دهد. «معنی شناسی قرآن به صورت عمده با این مسأله سروکار دارد که چگونه از دیدگاه این کتاب آسمانی، جهان هستی ساخته شده و اجزاء سازنده عمده جهان چه چیزهاست و ارتباط آنها با یکدیگر از چه قرار است» (ص ۴). از جمله واژه‌ها و اسمهای اصلی که در این کتاب مورد مطالعه قرار گرفته است، الله، ملک، تقوی، وحی، و کفر است. مثلاً اسم «الله» در دوره جاهلیت نیز وجود داشته است ولی در دوره اسلامی این اسم در يك قالب معنایی خاصی قرار می گیرد.

«تصور جدید اسلامی نسبت به خدای برتر به صورتی ژرف در ساخت کلی جهان بینی مؤثر افتاد. برای نخستین بار در تاریخ اعراب، نظامی مبتنی بر یکتا پرستی و خدا مرکزی استقرار یافت، نظامی که در مرکز آن خدای احد واحد به عنوان تنها سرچشمه افعال آدمی و همه اشکال وجود و هستی قرار داشت» (ص ۹). در مورد مفاهیم دیگر، چون فرشته، کتاب، تقوی و وحی نیز همین تعبیر پیدا شد. مثلاً کلمه تقوی که در عصر جاهلیت به معنی «ایستار دفاعی موجود زنده، جانور یا انسان، در برابر نیروی خارجی مخرب بود» در جهان بینی توحیدی اسلامی معنای دینی بسیار مهمی پیدا کرد. «تقوا پس از گذشتن از مرحله میانی ترس زاهدانه از کیفر الهی در روز پاداش به آنجا رسید که معنای زهد و پارسایی خالص و محض پیدا کرد. نویسنده متذکر می شود که در جهان بینی جدید مسلمانان «معنای اساسی کلمات تغییر نکرد، آنچه عملاً تغییر کرد نقشه کلی و نظام عمومی بود.»

خدا و انسان در قرآن مشتمل بر نه فصل است که چهار فصل اول آن به مباحث معنی شناسی قرآن اختصاص دارد ولی بخش اعظم کتاب (از فصل پنجم به بعد) درباره رابطه انسان و خدا در جهان بینی قرآنی است. این رابطه از لحاظهای گوناگون چون بحث وجود (فصل پنجم)، تبلیغی (فصل ششم و هفتم) و اخلاقی (فصل نهم) بررسی شده است.

دو کتابی که ایزوتسو درباره قرآن نوشته است بقیناً از هرگونه غرض ورزی مبرا است، و از آنجا که نویسنده مدت‌ها وقت خود را صرف مطالعه دقیق و عمیق قرآن کرده است، جای از ندارد که قرآن شناسان ما آراء این محقق بزرگ را با دقت بررسی کنند و خوشبختانه ترجمه آنها به فارسی (گرچه هیچکدام در حد کمال مطلوب نیست) امکان این بررسی (یا بررسیها) را فراهم کرده است. ن. پ



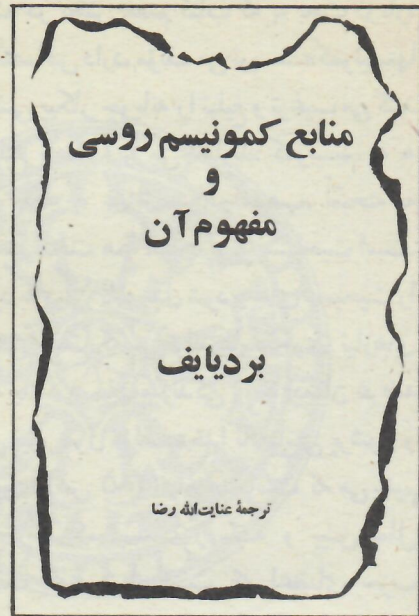
خدا و انسان در قرآن. تألیف توشیهیکو ایزوتسو. ترجمه احمد آرام. شرکت سهامی انتشار. تهران. ۱۳۶۱. ۳۲۷ صفحه. ۳۵۰ ریال.

قرآن ابتدا از روی ترجمه‌های اروپایی به زبان ژاپنی ترجمه شد. نخستین کسی که این کتاب را از زبان عربی به ژاپنی برگرداند پروفسور توشیهیکو ایزوتسو بود. از آنجا که ایزوتسو در فلسفه و عرفان و کلام و همچنین زبان شناسی جدید اطلاعات وسیع و عمیقی دارد، در هنگام ترجمه قرآن به مسائلی برخورد کرده است که يك ذهن تحلیل گر غیر مسلمان و منصف می توانسته است دریابد. دو کتاب ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن (که در سال ۱۳۶۰ توسط فریدون بدره ای به فارسی ترجمه شد) و خدا و انسان در قرآن (که اخیراً توسط آقای احمد آرام ترجمه شده است) نتیجه دقتهای ایزوتسو به عنوان يك زبان شناس و فیلسوف بی طرف در کتاب آسمانی مسلمانان است. در کتاب اول ایزوتسو گفته بود که می خواهد کاری کند که «قرآن به زبان خود سخن گوید و خود مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر کند. به عبارت دیگر آنچه در این تحقیق مقام اصلی را دارد مواد کار نیست بلکه روش تجزیه و تحلیل زبان شناسانه ای است که بر این مواد اعمال می شود.» در کتاب خدا و انسان در قرآن که در اصل يك سلسله سخنرانیهای بوده که نویسنده در بهار سال ۱۹۶۲ در دانشگاه مک گیل ایراد

فرهنگ روسیه نیز قبل از این که صورت تمدن غرب بر آن زده شود، دارای صورتی بود و ماده ای، و این صورت و ماده خود ماده ای شد برای تمدن و فرهنگ جدید غرب. تا قرن بیستم روسیه فرهنگی داشت مذهبی. ولی بر اثر يك سلسله تحولات، با قبول فرهنگ غرب، نوع خاصی از غربزدگی به وجود آورد که از نظر بردیایف همان چیزی است که به نام کمونیسم روسی شناخته شده است. مارکسیسم - لنینیسم و کمونیسم غربزدگی خاص روسی است. نیکلای بردیایف (۱۸۷۴ تا ۱۹۴۸) خود يك متفکر روسی است که ابتدا مارکسیست بود و حتی پس از انقلاب اکتبر به سمت رئیس «آکادمی آزاد فرهنگ معنوی» در روسیه برگزیده شد، ولی در سال ۱۹۲۲ از روسیه تبعید شد. از بردیایف کتابهای متعددی به جا مانده است. کتاب منابع کمونیسم روسی یکی از کتابهای معروف اوست که در آن به تحلیل عمیق مارکسیسم - لنینیسم و مقدمات تاریخی و فرهنگی آن پرداخته است.

روسیه تا قرن نوزدهم کشوری بود مسیحی ولی بتدریج پایه های مسیحیت در آن متزلزل شد و بر اثر نفوذ افکار غربی در فرهنگ روسیه، شک و تردید در شؤون مذهبی و اجتماعی در میان روشنفکران راه یافت. «معتقدات دینی مردم که نظام امپراطوری سلطنتی روسیه بر آن تکیه داشت، راه فساد و تباهی می پیمود... نیمه روشنفکرانی که از قشرهای درون جامعه پدید آمده بودند، بطور قطع خداناشناس، کافرکیش و ماده گرا بودند. قهر و خشم، بر مهر و محبت چیره گشت. کلیسا نقش رهبر و هدایت کننده خویش را در زندگی اجتماعی از دست داد. تابعیت کلیسا از دولت سلطنتی، از دست دادن روح و تربیت جامع کلیسایی، سطح فرهنگی بسیار نازل روحانیت - همه و همه، نتایجی فلاکتبار پدید آورد» (ص ۴۱-۲۴۰).

نتیجه سست شدن دین و ضعف قدرت کلیسا موجب شد که روشنفکران روسیه به نیهیلیسم (نیست انگاری)، مردم گرایی، اسلاوگرایی، آنارشیزم، و سپس کمونیسم روی آورند. در واقع همه این ایسمها صورت فرهنگ جدید غرب بود که بر فرهنگ روسی زده می شد. آخرین مرحله این تحولات که انقلاب اکتبر بود، چیزی جز پیوند فرهنگ غرب با فرهنگ روسیه نبود. از اینجاست که بردیایف می نویسد: «بی گمان در انقلاب روسیه جهات و جوانبی وجود دارد که آن را با دیگر انقلابها خویشاوند می سازد. ولی در ضمن انقلاب روسیه، انقلابی است اصیل و منحصر به فرد که تحقق آن صورتی ناگهانی داشته است. این انقلاب مولود فرایند تاریخی خاص روسیه و منحصر به فرد بودن روشنفکران این کشور



منابع کمونیسم روسی. نیکلای بردیایف. ترجمه عنایت الله رضا. تهران. ۱۳۶۰. ۳۹۴ صفحه. ۵۰۰ ریال.

غربزدگی معمولاً برای ما يك مفهوم ساده است که به معنای سیطره و استیلای فرهنگ و تمدن غرب بر فرهنگ و تمدن مشرق زمین و یا پذیرش کورکورانه و فلاکتبار فرهنگ و تمدن غربی توسط ملل و نحل شرقی است. ولی در صورت شناسی تاریخی (مورفولوژی تاریخی) غربزدگی يك مفهوم ساده نیست، بلکه انواع مختلف دارد. فرهنگها و تمدنهای شرقی، مانند تمدنهای هندی، ژاپنی، چینی، ایرانی و روسی هر کدام دارای صورتی بوده اند و هیولایی. این هیولا یا ماده و صورت مجموعاً وقتی به عنوان يك ماده، صورت جدیدی را پذیرفت، تمدن و فرهنگ خاصی را به وجود می آورد. در غربزدگی این تمدنها، صورت یکی است ولی ماده ها با هم فرق دارند. پس اختلاف ماده در غربزدگی مابه الامتیاز تمدنها و فرهنگهای غربزده شرقی است. مثلاً فرق میان غربزدگی ایران با غربزدگی چین در صورت آنها نیست، چه هر دو دارای صورت فرهنگ و تمدن جدید غرب اند. فرق آنها در ماده آنهاست - ماده ای که خود قبلاً ترکیب يك صورت و ماده دیگری بوده است. ایران تا قبل از مشروطه فرهنگی داشته است که اسلامی بوده و همین فرهنگ خود دارای صورتی بوده است و ماده ای. تمدن و

است» (ص ۲۳۹).

در تمام این تحولات روشنفکران روسی از دولت و حکومت تزاری بیگانه می‌شدند، و این بیگانگی و بیزاری با عصیان و سرکشی توأم بود. «از برخورد با غرب در طبایع مردم روسیه دگرگونی‌هایی پدید آمد. این دگرگونیها در جهت دیگری جز مسیر تمدن غرب صورت پذیرفت. نفوذ غرب در روسیه تمام و کمال متخالف و متناقض بود و موجب رسوخ موازین غربی در طبایع و روحیات مردم روسیه نشد، بلکه به خلاف، سبب بروز و ظهور عوامل و نیروهای سرکش لذت‌گرا، پویا و دیو صفت در طبایع و روحیات مردم روسیه گردید. سقوط و انحطاط روحی آغاز شد...» (ص ۹-۱۵۸).

همانطور که گفته شد، انقلاب کمونیستی از نظر بردیایف یک پدیدار روسی است که فقط در روسیه می‌توانست تحقق پذیرد. رهبر این انقلاب، لنین، هم «یک فرد روسی تمام عیار بود» (ص ۲۵۸). بردیایف در کتاب خود سعی کرده است چهره بسیاری از متفکران و روشنفکران روسی را ترسیم کند. چهره‌ای که وی از لنین ترسیم می‌کند نمایانگر جهات مختلف ایدئولوژی کمونیستی است. به گفته بردیایف، لنین از طرفی در زندگی شخصی «خوش قلب و نیکو رفتار بود» (ص ۲۱۱) و از طرف دیگر «براستی در خشونت نایفه بود» (ص ۲۸۶). «به کار بستن سیاستی سختگیرانه و بیرحمانه را تبلیغ می‌کرد» (ص ۲۱۱). «به انسان اعتقادی نداشت، ولی... می‌خواست زندگی را به صورتی در آورد که در آن آدمیان زندگی راحتی داشته باشند» (ص ۲۱۲). «لنین به خاطر مبارزه و دست یافتن به هدف انقلاب، استفاده از هر وسیله‌ای را مجاز می‌دانست» (ص ۲۱۴). «وی که قدرت شناخت و رابطه مستقیم و ساده با انسانهای زنده را از دست داده بود، توسل به فریب، دروغ، اعمال زور، خشونت و بیرحمی را مجاز می‌دانست» (ص ۲۱۴). در واقع دوگانگی شخصیت لنین نمایانگر جنبه‌های دوگانه‌ایست که در کمونیسم روسی جلوه گر شده است. «سبب توفیق لنین در کار خویش آن بود که وی دو سنت را با هم در آمیخت - سنت روشنفکران انقلابی روسیه، همراه با افراط و زیادت طلبی‌های آن و سنت تاریخی حکام و فرمانروایان روسیه، همراه با مظاهر استبدادی و خودکامه آن... دو سنت مذکور در سراسر سده نوزدهم، دشمن سرسخت و معارض یکدیگر بودند. ولی لنین با در آمیختن این دو سنت توانست طرح سازمان دولت کمونیستی را تنظیم کند و آن را به مرحله اجرا درآورد» (ص ۲۱۸). با وجود این که کمونیسم صورتی است که ماده آن تمدن و

فرهنگ مذهبی روسیه است، و به همین دلیل هم مارکسیسم به صورت یک دین درآمده است، این ایدئولوژی سخت مخالف و دشمن ادیان الهی است. در بخش هفتم کتاب که به بحث درباره کمونیسم و مسیحیت اختصاص دارد، مؤلف می‌نویسد: «کمونیستها خداشناسی و کافرکشی پیکار جویانه را تبلیغ و ترغیب می‌کنند و خود را موظف به تبلیغ برضد دین می‌شمارند. کمونیسم، نه به عنوان نظام اجتماعی، بلکه به عنوان دین و مذهب، آمیخته به تعصب بسیار و دشمن سرسخت همه ادیان، بویژه مسیحیت است. کمونیسم می‌خواهد خود به دینی تازه بدل شود و جای مسیحیت را بگیرد. از این رو مدعی است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای معنوی و روحی جامعه باشد و مفهوم زندگی را به آدمیان عرضه دارد» (ص ۲۸۲). لنین نیز، بقول مؤلف «خدا شناسی پرشور و دشمن سرسخت دین بود» (ص ۲۸۵). از اینجاست که می‌بینیم «در بند ۱۳ برنامه حزب کمونیست روسیه و بین الملل (انترناسیونال) کمونیست گفته شده است که اعضای حزب کمونیست باید خداشناس باشند و برضد مذهب به کار تبلیغ دست زنند» (ص ۲۹۴).

چنانکه ملاحظه می‌کنیم، بردیایف نسبت به مارکسیسم - لنینیسم و بطور کلی جهان بینی جدید غربی نظری انتقادی و اعتراض آمیز دارد. مطالبی که نقل کردیم به عبارتهای مختلف تکرار شده و اصولاً تکراری بودن مطالب یکی از معایب کتاب است.

نتیجه‌ای که مؤلف در انتهای کتاب می‌گیرد این است که «جهان در معرض خطر ناانسانی شدن زندگی آدمیان قرار گرفته است. همه فرایندهایی که اکنون در جهان روی می‌دهند، موجودیت بشر را به مخاطره افکنده اند» (ص ۳۲۶). به نظر او جهان امروز دچار بحران است و این نه ناشی از بی‌دینی، بلکه از دین ناحق است. انسان به‌رحال موجودی است دینی و پرستنده. هرگاه خدای ادیان آسمانی را از او بگیرند، به بت پرستی روی خواهد آورد و این دقیقاً وضعی است که برای بشر جدید پیش آمده است. و همین است که بشر را به نیستی تهدید می‌کند. برای رهایی از آن هم انسان چاره‌ای ندارد جز این که پاسخ خود را از ادیان آسمانی بجوید، و از نظر بردیایف دینی که باید مسأله بشر جدید را حل کند مسیحیت است.

در وجه کوتاه مدت این برنامه بر لزوم حمایت از انقلاب اسلامی و حفظ وحدت مسلمانان تأکید می‌کنند و هشدار می‌دهند که در این مرحله حساس تاریخی ممکن است کسانی که منافع خود را در خطر می‌بینند متحد شوند و برای ضربه زدن به انقلاب دست به توطئه بزنند. در وجه بلند مدت خط مشی انقلاب، امام مردم را به حفظ جمهوری اسلامی فرا می‌خوانند و آنها را از افتادن در دام سخنان فریبنده گروهها و کسانی که در سخنان خود دم از دموکراسی و آزادی می‌زنند، ولی هیچ نامی از خدا و اسلام و انقلاب اسلامی نمی‌برند بر حذر می‌دارند. امام در پایان ضمن اشاره به مسئله انتخابات که مسئله روز بود تأکید می‌کنند که کسانی که دعوی اسلام‌خواهی دارند، اما جمهوری اسلامی نمی‌خواهند، نمی‌توانند و نباید به نمایندگی مردم در نهادهای جمهوری اسلامی انتخاب شوند.

الجهاد اعلى مراحل الكفاح الوطنى (عربى)

کتاب جهاد از نشریه‌های «مکتبه الاسلامیه الکبری» (کتابخانه بزرگ اسلامی) است که جلال‌الدین فارسی آن را به فارسی نوشته، و شهید محمد صالح الحسنی آن را تعریب کرده است.

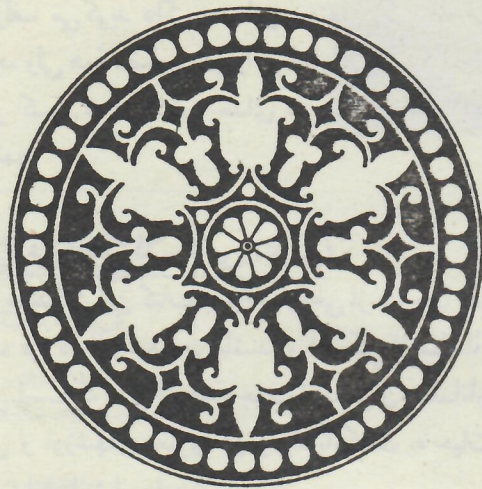
مؤلف در این کتاب انواع جهاد از قبیل جهاد وطنی، جهاد نفسانی، و جهاد اهل بغي، یعنی پیکار با ستمکاوان را با تکیه بر اصل «الجهاد فی سبیل الله» یعنی پیکار در راه خدا بیان می‌کند، تا آن را با پیکارها و جنگهای امتهای دیگر که مؤلف آنها را «صراعات الهمجیه = جنگهای وحشیانه» می‌خواند متمایز کرده باشد.

آنگاه مؤلف به نتایج حاصله از این نوع جهاد اشاره می‌کند و تکامل اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی را از نتایج این جهاد می‌شمارد. و کتاب را با بحثی در صفات مجاهدین در راه خدا و نیز اسلوب جهاد در آزاد کردن مستضعفان و مسلمانان و اراضی آنها به پایان می‌برد.

در همه این موضوعات، تکیه مؤلف بر قرآن کریم و احادیث نبوی و اخبار معصومین و کتب معتبر تاریخ و ادب اسلامی چون سیره ابن هشام، المغازی، تاریخ طبری و اغانی ابوالفرج اصفهانی و جز آنهاست.

نظرة فى تطور علم الاصول (عربى)

این کتاب نیز از منشورات «مکتبه الاسلامیه الکبری»



انتشارات جدید بنیاد بعثت

بنیاد بعثت را در شماره دوم همین سال معرفی و نام کتابهایی که این بنیاد به زبانهای خارجی منتشر کرده است ذکر کردیم. اخیراً تعداد دیگری از انتشارات جدید بنیاد به دفتر نشریه رسیده است که ذیلاً معرفی می‌کنیم.

امام خمینی، خط مشی انقلابی «La Ligne d' action Révolutionnaire» (فرانسوی)

جزوه با مقدمه‌ای آغاز می‌شود مبتنی بر این حقیقت که امتی که پایبند معتقدات دینی و برخوردار از رهبری قاطع روحانیت است به آسانی می‌تواند بر حکومتی که دشمن دین و مخالف اجرای احکام الهی است فائق آید، و سپس به رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند که در آن ملتی با دست خالی بر شاه مقتدری که از حمایت بزرگترین قدرتهای جهان برخوردار بود غلبه می‌کند و او را از سرزمین خود می‌راند.

بخش اصلی جزوه که عنوان «خط مشی انقلابی» بر آن نهاده شده است یکی از نطقهای تاریخی امام خمینی در مدرسه فیضیه قم است. در حقیقت، امام در سخنان خود خط مشی انقلاب اسلامی را پس از پیروزی ترسیم می‌فرمایند و آن را به برنامه‌ای تشبیه می‌کنند که دارای دو وجه کوتاه مدت و بلند مدت است. امام

مباحث عمده آن از این قرار است: «اسلام چگونه نیازهای هر عصری را بر می آورد؟»، «احکام ثابت و احکام متغیر در اسلام» و درسهایی از قرآن که شامل «توحید در مفهوم قرآنی»، «دین در مفهوم قرآنی»، و «قرآن و دو نظریه تنازع بقاء و انتخاب اصلح»، و سر انجام «قرآن و حریت» است.

مؤلف می گوید «اگر چه این بحثها رنگی فلسفی به خود می گیرد، ولی همه مضامین آن را از قرآن کریم برگرفته ایم، و این نکته بر کسی که در کتاب خدای عزیز امان نظر کند، پوشیده نمی ماند».



دروس فی الفکر الاسلامی (عربی)

نویسندگان این کتاب در واقع گروهی از صاحب نظران «لجنة التألیف فی دارالتوحید» می باشند. و آن یکی از سلسله درسهای اسلامی است که «دارالتوحید» جهت آشنا کردن مسلمانان با افکار اسلامی و ارزشهای معنوی آن و راه بازگشت به حیات اسلامی سعادت‌مندان، انتشار داده است.

مؤلفان در این کتاب از مباحثی ارجمند چون: توحید، عقیده و سلوک هر دو است، ما دنیا را برای آخرت می خواهیم، اسلام دینی کامل و ثابت است، حتمیت پیروزی مسلمانان، جاهلیت معاصر و تحديات بیهوده دشمنان اسلام، حجاب مناعت و ثبات است، حقوق زن و آزادیهای او، تفسیر تاریخ بشری، حبّ و مسئولیت در اسلام، نظر به حسن عمل و اشاراتی به مذهب اقتصادی اسلام و مطالب دیگر سخن گفته اند.

مایهّم الشباب (عربی)

این کتاب نخستین بار به سال ۱۴۰۰ هـ. ق. در بیروت و دومین بار به سال ۱۴۰۲ هـ. ق. در تهران انتشار یافته است. مؤلف آن، حجة الاسلام ناصر مکارم شیرازی، در این کتاب مسائلی را که برای جوانان کشور اسلامی اهمیت دارد به سلیقه خاص خویش مطرح و مورد بحث قرار داده است.

مؤلف بحثی در «عادت» می کند که «موهبتی الهی است»، و آنگاه تذکر می دهد که کسانی را که این موهبت را در راه خطا استعمال می کنند و «عادات سیئه» کسب می کنند، چگونه می توان از آن راهها باز داشت. پس از آن مباحثی را از قبیل: «چگونگی پیکار با عادات بد پس از ظهور آنها»، «جوانان از آینده خود دلواپس و نگران هستند»، «جوانان به پناه و حمایت نیاز دارند»، «مرکه حیات قدیم و جدید»، «وسائل دعوت را از دست منحرفان

(کتابخانه بزرگ اسلامی) است. و آن در اصل کتابی بوده به فارسی که دکتر ابوالقاسم گرجی در مجله «مقالات و بررسیها» (شماره های ۱۳ تا ۱۶ سال ۱۳۹۴ هـ. ق.) به فارسی نوشته بود و آقای محمد علی آذرشب آن را به عربی ترجمه کرده است.

در مقدمه این کتاب به اختصار مباحثی در ماهیت علم اصول و موضوع علم اصول مطرح می شود. کتاب دارای دو قسم است. قسم اول در زادگاه علم اصول و مقام و مکانت آن در میان سایر علوم بحث می کند و از جمله می گوید «فقه شیعی - به معنی وسیع کلمه - تا پس از غیبت کبری (۳۲۹ هـ. ق.) علم اصول را نمی شناخت، چه با وجود پیامبر (ص) و پس از او با وجود امامان معصوم، نیازی به علم اصول محسوس نمی افتاد.» قسم دوم کتاب از مراحل تاریخی ای که علم اصول از آن مراحل گذشته بحث می کند. این کتاب با وجود کم حجم بودن، برای کسانی که طالب مباحثی از این دست باشند، پر فایده است.

الاسلام و متطلبات التغيير الاجتماعي (عربی)

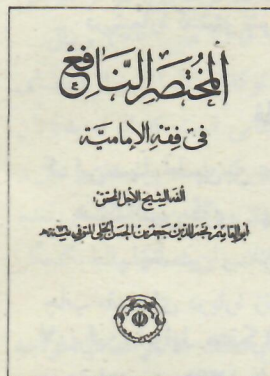
ترجمه عربی کتابی است به فارسی از علامه معروف سید محمد حسین طباطبایی، به قلم محمد علی آذرشب. کتاب شامل مقدمه ای از مترجم به زبان عربی، و هشت بخش عمده است که

ابراز شده بررسی می کند و به ردّ اصول تاریخی مذهب مارکس می پردازد، و آن را در شش مورد نقد و تزییف می کند. در آخر کتاب، استاد مطهری می کوشد که رأی اسلام را در هویت تاریخ و حرکت آن استنباط و بیان کند. مترجم عربی کتاب محمد علی آذرشب، برخی نکات لازم را از مباحثات شهید سید محمد باقر صدر، که از پیش در این باره مباحثی ارجمند را آغاز کرده بوده، التقاط کرده و جهت تکمیل فایده کتاب آنها را بر کتاب افزوده است.

المختصر النافع فی فقه الامامیه (عربی)

مؤلف کتاب جعفر بن حسن بن یحیی بن حسن بن سعید الحلّی، معروف به «محقق» و «محقق حلّی» از دانشمندان و فقیهان بزرگ شیعه امامیه در قرن هفتم هجری است، و کتابهای او بویژه شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام از کتب درسی فقه در حوزه های علمیه بشمار می رود و شهرت بسزایی دارد. و همین کتاب المختصر النافع خلاصه ای است که خود مؤلف از شرایع الاسلام، هر دو به فارسی هم ترجمه شده است. این کتاب بنا بر فقه امامیه در چهار قسم مرتب شده است: (۱) عبادات؛ (۲) عقود؛ (۳) ایقاعات؛ و (۴) احکام.

کتاب مقدمه ای دارد به قلم وزیر اوقاف وقت احمد حسن الباقوری، که در آن مسلمانان را اعم از سنی و شیعه به «وحدت کلمه» و یگانگی و چشم پوشی از اختلافات جزئی دعوت می کند، و راه پیشبرد اهداف مسلمانان و اعلاء کلمه حق را در «اصالت فکر اسلامی»، و «صدق ایمان» می داند. مقدمه دوم کتاب به قلم استاد محمد تقی القمی دبیر کل «جماعة التقرب الاسلامی» است که گذشته از دعوت به یگانگی و نزدیک کردن هر چه بیشتر مسلمانان با یکدیگر بحثی نیز در احوال و آثار محقق حلّی می کند. و آنگاه مصادر احکام را در نزد امامیه بر می شمارد که عبارت اند از: کتاب، سنت، اجماع، و عقل (یا دلایل عقلیه). چنانکه گفتیم اصل کتاب يك دوره کامل از فقه امامیه است و نظر و رأی فقهای آن طایفه را در باب فروع دین مبین در بردارد.



بیرون بیاورید»، «جوانان با این مطبوعات چه می کنند؟»، «وضع تربیت و تعلیم»، «چرا مسئولیت ما مهم است»، «فساد رو به تزاید است»، «رسالت قرآن»، «مطبوعات مسموم»، «اقتراح سودمند و نافع»، «قانون حیات»، «اختلافات و تفرقه ها در عصر حاضر»، «علاقه های دینی»، «استعمار همیشه قوی است» و جز اینها مطرح می کند و بدین نتیجه می رسد که «بهترین طریقه برای اصلاح این بد آموزیها و کژ رویها، تبلیغ اسلامی است».

المجتمع والتاریخ (عربی)

این کتاب در اصل جزء پنجم از سلسله کتابهایی است تحت عنوان «مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی» نوشته استاد شهید مرتضی مطهری. کتاب شامل دو بخش است. بخش اول، که نسبتاً کم است درباره مجتمع (Society) سخن می گوید، و بخش دوم که مفصل تر است در باب تاریخ بحث می کند. بخش اول اجتماع را از نظر اصالت وجود آن و سنتهایی که بر آن حکومت می کند مورد بررسی قرار می دهد و وحدت و پراکندگی، و حال و آینده آن را از لحاظ اسلام بیان می کند.

قسم دوم مادیت تاریخی (Historical Materialism) را به عنوان اینکه مشهورترین نظریه ای است که در باب فلسفه تاریخ